

ورزش و بازتاب‌های اجتماعی از منظر "مارسل موس"

کمال جوانمرد*

گروه جامعه‌شناسی، واحد شهرقدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقاله مروری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۸

چکیده

هدف: "مارسل موس" به اعتقاد اصحاب علوم اجتماعی، فاتح سرزمین جدید جامعه‌شناسی ورزش است؛ سرزمینی که در آن، انسان محصول بدن خویش خوانده می‌شود و تصور بر آن است که کلیه تکنیک‌ها و فنون بدن، بازتاب ایستارها و ساختارهای اجتماعی و برآیند بستر فرهنگی بوده و حرکات کالبدی با فرهنگ و نظام اجتماعی ارتباط تنگاتنگی دارد. مارسل موس، فاتح سرزمینی است که طلیعه‌دار ورود علم اجتماعی به عرصه فعالیت‌های بدن و همچنین بازی و رویدادهای ورزشی است تا بدین وسیله، بنیان جامعه‌شناسی ورزش را پی افکند. هدف از این مقاله بررسی و بازشناسی اندیشه‌های این جامعه‌شناس کلاسیک در حوزه ورزش و بازی و کارکردهای اجتماعی و فرهنگی این پدیده‌هاست.

روش‌شناسی: روش تحقیق این مطالعه بر اساس ماهیت موضوع از نوع اسنادی است و به تبع آن از کتابخانه در گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

یافته‌ها: در این نوشتار، نخست نگاهی گذرا به زندگی و آثار مارسل موس، جامعه‌شناس فرانسوی شده، سپس کاربری اندیشه‌های اجتماعی او در زمینه بازی و ورزش تشریح شده و بن‌مایه‌های افکار وی درباره علم نوظهور جامعه‌شناسی ورزش مورد بررسی قرار گرفته است؛ آنگاه به تبیین شالوده نظریه‌های وی در مورد واقعیت‌های اجتماعی تام از جمله بازی‌ها و ورزش با تأکید بر مقاله "فنون بدن" نظری افکنده و به طبیعت انسان و جنس فنون کالبدی و همچنین عواطف آدمی که همگی رنگ و بوی فرهنگی دارد و از عنصر مشترک جامعه‌شناختی به نام "عادت‌واره" پیروی می‌کند، پرداخته و سرانجام بازی‌ها با استفاده از رسم اقوام ابتدایی به نام "پتلاچ" که مارسل موس آن را از بومیان سواحل شرقی به عاریت گرفته، تحلیل شده است.

نتیجه‌گیری: مارسل موس مدعی شده بر اساس این رسم، انگیزه و هدف انسان از بازی نه صرفاً سود مالی، اهداف غیراقتصادی از جمله تحکیم روابط و ارتقای جایگاه و منزلت اجتماعی بوده است.

واژگان کلیدی: مارسل موس، جامعه‌شناسی ورزش، فنون بدن، عادت‌واره، پتلاچ

مقدمه

در دانشنامه "ویکی‌پدیا" درباره "مارسل موس"^۱ (۱۸۷۲-۱۹۵۰) چنین آمده: جامعه‌شناس و انسان‌شناس فرانسوی در دهم می سال ۱۸۷۲ در خانواده یکی از خاخام‌های یهودی سوسیالیست در اپینال^۲ شهر لورن^۳ به دنیا آمد. مارسل موس در مدرسه نورمال سوپریور^۴ تحصیل کرد؛ در دوران دانشجویی وارد عرصه سیاست شد؛ بعدها از رهبران گروه دانشجویی این جریان شد؛ نشریه سوسیالیست‌ها را منتشر کرد و در آن نشریه، خشونت‌های فاشیسم و بلشویسم را آماج انتقادات تندی قرار داد و از مخالفان سرسخت انقلاب بلشویکی روسیه و مارکسیسم شد (fakouhi,2006). مارسل موس، خواهرزاده و اشاعه‌دهنده اندیشه‌های دورکیم بود (mouss,2019) و تحت تعلیم و آموزش‌های وی در دانشگاه بوردو^۵ در رشته فلسفه، حقوق و جامعه‌شناسی ادیان به تحصیل پرداخت؛ سپس به زبان‌شناسی و لغت‌شناسی روی آورد؛ به فراگیری دانش زبان‌های نوین انگلیسی، آلمانی و روسی پرداخت و محقق زبان‌های سانسکریت، یونانی، روسی، لاتین، سلتی و عبری شد و به تحقیق در ریشه‌ی واژگان این زبان‌ها پرداخت (moor,2011). وی همچنین بر مذهب و پدیده‌های مذهبی تمرکز نمود و به تدریس دین و فلسفه در هندوستان پیش از بودا توفیق یافت (fakouhi,2006). این جامعه‌شناس فرانسوی در سال ۱۹۰۰ عضو هیأت علمی دانشگاه پاریس شد و سپس موسسه مردم‌شناسی دانشگاه پاریس را تأسیس کرد و شاگردان برجسته‌ای از جمله: کلود لوی اشتروس^۶، مارسل گریول^۷ و آنده لورا گوران^۸ را تربیت نمود (lallement, 2014). مارسل موس مضاف بر این، در بین سال‌های ۱۹۳۹-۱۹۳۰ در کلژ دو فرانس تدریس نمود و کتاب‌ها و تألیفات متعددی را به رشته تحریر در آورد. از جمله تألیفات این مردم‌شناس می‌توان به رساله قربانی، ماهیت و کارکرد^۹ (۱۸۹۶)، نظریه عمومی جادو^{۱۰} (۱۹۰۴)، نیایش (۱۹۰۹)، احساس‌ها (۱۹۲۱)، سوسیالیسم و بلشویسم (۱۹۲۴)، هدیه^{۱۱} (۱۹۲۳)، تأثیر فیزیکی پنداره مرگ (۱۹۲۶)، فنون بدن^{۱۲} (۱۹۳۴) که بی‌تردید این مقاله، نخستین سنگ‌بنای جامعه‌شناسی ورزش است (Do franc, 2006). اشاره کرد. مارسل موس در دهم فوریه ۱۹۵۰ در پاریس درگذشت.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق این مطالعه بر اساس ماهیت موضوع از نوع اسنادی است و به تبع آن از کتابخانه در گردآوری اطلاعات استفاده شده است. در زمینه روش‌شناختی مارسل موس در حوزه جامعه‌شناسی ورزش هم باید یادآور شد، از آنجا که این اندیشمند فرانسوی دیدگاهی واقعی و عینی‌گرا داشت، از مسائل فلسفی دور و به سطح تجربی و واقع‌گرایی

-
1. Marcel Mauss
 2. Epinal
 3. Lorraine
 4. Ecole normale supérieure
 5. Bordeaux
 6. C.I. Strauss
 7. M. Griuel
 8. A.I. Gourhan
 9. Sacrifice: nature and function
 10. A general theory of majic
 11. The Gift
 12. Les techniques du corps

نزدیک شد (Giulianotti, 2012)؛ بر همین اساس او در بررسی‌های خود از روش‌های میدانی و تجربی استفاده کرد. هرچند در مطالعه جامعه‌شناسی ورزش^۱ و فعالیت‌های بدن، علاوه بر روش‌های میدانی از روش تاریخی- اسنادی نیز بهره گرفت. او با نوشتن مقاله «فنون بدن^۲» (۱۹۳۴) که نتیجه تحقیقات میدانی و کتابخانه‌ای وی بود، نخستین سنگ بنای جامعه‌شناسی ورزش را بنا نهاد و تلاش کرد تا از بطن واقعیت‌هایی مثل بازی و ورزش، مفاهیم را استخراج نماید؛ زیرا او اعتقاد داشت یکی از مهم‌ترین راه‌های درک بهتر و دقیق‌تر فرهنگ، همانا حرکات بدن و فنون کالبدی است. او بر این باور بود که ورزش و سایر واقعیت‌ها را باید پدیده اجتماعی تام به شمار آورد (Brett, 2009).

تبارشناسی اندیشه‌های اجتماعی مارسل موس

محل تولد مارسل موس، منطقه ایپینال شهر لورن، سرزمینی مرزی بین فرانسه و پروس بود که برای فتح آن همواره کشمکش و نبرد در جریان بود و این شکست و پیروزی‌ها همواره ذهن وی را از کودکی تحت تأثیر قرار داده بود؛ به‌گونه‌ای که تجربه شکست در این جنگ‌ها عمیقاً روحیه او را متأثر نمود. او پیرو سنت تعاون‌گرای سوسیالیستی و یک مبارز ترقی‌خواه بود و از ابتدا در زمره مخالفان سرسخت انقلاب بلشویکی روسیه و مارکسیسم درآمد (fakouhi, 2018). مضاف بر این، وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم و همچنین جنگ‌های داخلی فرانسه و شکست سوسیالیست‌های پاریس، اوضاع و احوال فرانسه را آشفته و نابسامان نمود و انسجام و همبستگی اجتماعی را به شدت مخدوش کرد و دغدغه خاطر او را فراهم نمود (Tanhai, 2014). مارسل موس با وجود اینکه خود را شاگرد و پیرو دورکیم می‌دانست، منتقد وی هم شد و ایرادات خود را در لفافه و به دور از هرگونه صراحت یا جدلی مطرح کرد، هرچند در نهایت از مسیر فکری او منحرف شد (Brett, 2009). مارسل موس تلاش نمود دیدگاه‌های واقعی و عینی‌گرای خود را به صورت لطیف در مقابل ایده‌های فلسفی و انتزاعی دورکیم بیان نماید و بر آن بود تا آن را از مسائل فلسفی دور نموده و به سطح تجربی نزدیک کند تا بدین وسیله آرا و اندیشه‌های دورکیم را رنگ و بوی تجربی و واقع‌گرایی دهد. به تعبیر پرچاره، با تلاش‌ها و تألیف‌های مارسل موس بود که دورکیم در فرانسه به مرحله تجربی راه یافت (Giulianotti, 2012). در هر حال، او تلاش کرد تا از بطن واقعیت‌هایی مثل بازی و ورزش، مفاهیم را استخراج نماید؛ زیرا او اعتقاد داشت یکی از مهم‌ترین راه‌های درک بهتر و دقیق‌تر فرهنگ، حرکات بدن و فنون کالبدی است. به باور موس، این حرکات در اکثر موارد تبدیل به سازوکارهای دارای ضوابط مشخص و قاعده‌مند در بدن می‌شوند که او آن‌ها را "فن" می‌نامد. او معتقد بود، کنترل فرهنگ بر این فنون اساساً شرط بقای هر فرهنگی است (fakouhi, 2018)؛ به ارتباط بین ورزش به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی با سایر پدیده‌ها و امور مبادرت ورزید تا معنا و مفهوم ورزش را تبیین نموده و آن را به‌عنوان واقعیتی اجتماعی در ارتباط با سایر واقعیت‌های اجتماعی تحلیل کند؛ زیرا او بر این باور بود که ورزش و سایر واقعیت‌ها را باید پدیده اجتماعی تام به شمار آورد (Brett, 2009). از دیگر اصول کاربست فکری مارسل موس می‌توان به ایده ترکیب پدیده‌ها اشاره کرد؛ ایده‌ای که در سال ۱۹۱۰ آن را در مقابل رویکرد تمایز و تفکیک دورکیم مطرح نمود. او معتقد بود که پدیده‌ها با یکدیگر ترکیب می‌شوند و در شبکه‌ای ارتباطی با یکدیگر قرار می‌گیرند. تأکید او بر ادغام و ترکیب تمام پدیده‌های اجتماعی بوده است (moor, 2011)؛ به زعم او، پدیده‌هایی مثل بازی و ورزش را باید در تلفیق با ابعاد مختلف با دیگر پدیده‌ها تحلیل و تبیین نمود. به اعتقاد

1. social of sport

2. Les techniques du corps

مارسل موس، بازی و ورزش را بر اساس رویکرد تفکیک‌گرای دورکیمی نمی‌توان بررسی نمود، بلکه باید این پدیده‌ها را با رهیافتی ترکیب‌گرایانه مطالعه کرد تا به تمامیت و کلیت پدیده ورزشی دست یافت. هرچند او در تحلیل پدیده قربانی به دیدگاه ترکیبی نزدیک می‌شود و قربانی کردن را یک نظام وحدتی از پدیده‌های آسمانی و انسانی می‌داند (uber and mouss, 2019)؛ مارسل موس به اصل مبادله و ارتباطات اشاره می‌کند و معتقد است تمام پدیده‌ها، رابطه متقابل و مبادله‌ای با هم دارند. او جهان اجتماعی را جهان مبادله و ارتباط می‌داند که هیچ چیزی در آن به تنهایی تحلیل نمی‌شود، بلکه همه چیز در رابطه با دیگر پدیده‌هایی که با آن‌ها مرتبط است، تحلیل می‌شوند. به گمان او، جامعه کانون مبادلات است و بازی و ورزش به خوبی این اصل را نشان می‌دهند و حکایت از واقعیت اجتماعی تام دارد. پس او ورزش و بازی‌ها را بر اساس رویکرد ترکیب‌گرا در ارتباط و پیوند با دیگر پدیده‌ها می‌داند که تمایزی بین آن‌ها نیست و به‌عنوان امر تام اجتماعی با لایه‌های دیگر جامعه در ارتباط است.^۱

مارسل موس؛ فاتح سرزمین جامعه‌شناسی ورزش

مارسل موس^۲ جامعه‌شناس و انسان‌شناس شهیر فرانسوی در سال ۱۹۳۴ طی یک سخنرانی تاریخی برای نخستین بار به تحلیل حرکات بدن در جامعه پرداخت و به ارتباط میان تکنیک‌ها و فنون بدن با نظام اجتماعی اشاره نمود و مدعی شد، فعالیت‌های بدن صرفاً طبیعی و زیست‌شناختی نیست، بلکه جنبه فرهنگی و تربیتی دارد و در پیوند با بستر اجتماعی پیرامونش شکل می‌گیرد. او بر این باور بود که رفتارهای ورزشی از سنخ کنش‌های فرهنگی بوده و شامل مجموعه‌ای از رفتارهای نمادی وابسته به منزلت و موقعیتی است که هر فرد در سلسله‌مراتب اجتماعی احراز نموده است. این متفکر فرانسوی، بدن را محصول جامعه‌ای که در آن رشد کرده، می‌داند و بر آن بود که از روی بازتاب فعالیت‌های کالبدی، می‌توان فرهنگ آن جامعه را شناخت. به اعتقاد وی حرکات و رفتارهای بدن، یکی از مهم‌ترین ابزارها در تحلیل فرهنگ‌ها و جوامع محسوب می‌شوند. مارسل موس در این سخنرانی که بعدها آن را در قالب مقاله‌ای با عنوان "فنون بدن"^۳ منتشر کرد، برای اولین، جامعه‌شناسی را به عرصه رفتارها و فعالیت‌های بدن کشاند، بازی و ورزش را کانون توجه این علم قرار داد و بدین واسطه، این نوشتار نقطه عطفی در علم اجتماعی شد و نویسنده خود را به‌عنوان بنیان‌گذار علم «جامعه‌شناسی ورزش» معرفی نمود. علمی که ورزش را فرایند قاعده‌مند شدن بازی‌ها می‌داند و آن را یک واقعیت اجتماعی تام^۴ انضمامی به شمار می‌آورد که با ساختارها و ابعاد گوناگون جامعه در ارتباط است و برای تحلیل آن باید از شبکه‌ای از این ساختارها در قالب مدل‌ها و الگوهای ترکیبی استفاده نمود.

مارسل موس در این سخنرانی تاریخ‌ساز در حوزه بدن، از بی‌توجهی صاحب‌نظران به تفاوت‌های جوامع مختلف در نحوه تربیت و استفاده از بدن انتقاد کرد و بر اساس دانسته‌ها و تجارب شخصی از فنون و تکنیک‌های بدن، توصیف و دسته‌بندی‌ای را ارائه نمود. او از توبیخ شدنش در مدرسه به دلیل نحوه راه رفتنش تا فنونی که در سربازی و کوهنوردی فرا گرفته بود، سخن به میان آورد. همچنین از زمانی که در بیمارستانی در نیویورک بستری شده بود و متوجه نوع راه رفتن پرستاران آمریکایی شد و یا با سرپنجه نشستن و شیوه شنا و زایمان در اقوام مختلف را تحلیل نمود. وی همه این مصادیق و مطالب را در همان سال در قالب مقاله‌ای با عنوان "فنون بدن"^۵ که از غنی‌ترین آثار و

۱. برای مطالعه‌ی بیشتر مراجعه شود به مقاله‌ی "بازگشت به امر اجتماعی" (چرا مارسل موس ناشناخته است؟) تألیف سارا شریعتی روزنامه اعتماد، شماره ۳۸۴۲، شنبه ۱۰ تیر ۱۳۹۶

2. Marcel Mauss (1872- 1950)

3. Les Techniques Du Corps (1934)

4. Total Social Fact

5. Les techniques du corps

از اولین تألیفات مستقل در حوزه جامعه‌شناسی ورزش است، تدوین کرد و برای نخستین بار به تحلیل فعالیت‌های بدنی و جامعه پرداخت (Javanmard, 2007). او در این مقاله، پیوند میان تکنیک‌ها و فنون بدن را در کانون توجه قرار داده بر نظام اجتماعی تأکید نمود و بدین‌وسیله رابطه رفتار بدنی را با فرهنگ به‌عنوان مسئله اصلی جامعه‌شناسی ورزش مطرح نمود (Ghasemi and et al. 2008).

مقاله "فنون بدن" یکی از غنی‌ترین آثار کلاسیک حوزه جامعه‌شناسی ورزش است که در آن بدن به مثابه مهم‌ترین ابزار انسان در بیان و ایجاد ارتباط با دیگران مورد تحلیل قرار گرفته است. در این نوشتار تأکید شده که هر فرهنگی تداوم خود را مدیون انتقال خویش از خلال قالب‌های کالبدی بوده که آن‌ها را در طیفی بزرگ از حرکات به افراد منتقل می‌کند. (fakouhi, 2018) او همچنین با استفاده از مفهوم "عادت‌واره"، خاص بودن فعالیت‌های بدن را در هر فرهنگ و جامعه مشخص نشان داد و مدعی شد هر حرکت و فعالیت بدن آدمی در همبستگی تنگاتنگ با بستر اجتماعی یک حرکت فرهنگی محسوب می‌شود. او بدین‌وسیله سنگ بنا و خشت اول جامعه‌شناسی ورزش را بنیان نهاد و به‌عنوان پیش‌قراول این حوزه نوظهور و میان‌رشته‌ای، شهرت جهانی یافت و افتخار بنیان‌گذاری جامعه‌شناسی ورزش را از آن خود نمود؛ علمی که به تعبیر یکی از مردم‌شناسان فرانسوی؛ "کلود لوی اشتروس"، سرزمین ناشناخته و جدیدی است که به وسیله "مارسل موس" فتح شد (Do franc, 2006). در هر حال، به اذعان اصحاب علوم اجتماعی، این اندیشمند فرانسوی موفق شد شالوده و بنیان جامعه‌شناسی ورزش را پی‌ریزی کند و برای اولین بار، حرکات و فعالیت‌های بدن انسان را نه صرفاً طبیعی و بیولوژیکی بلکه فرهنگی و تربیتی نشان دهد.

مارسل موس، ورزش را به بازی گرفتن قاعده‌مند بدن می‌داند که بر حسب تعلق اجتماعی کنشگران، کارکردهای متعدد و گوناگونی دارد (Seifi and et al, 2019). او در مقاله "فنون بدن" می‌انگارد: «بدن، اولین و طبیعی‌ترین ابزار انسان است؛ به عبارت دقیق‌تر، اگر از آن به ابزار تعبیر نکنیم، بدن انسان اولین و طبیعی‌ترین ابژه فنی و در عین حال شیوه فنی او به شمار می‌رود.» (mouss, 1979). مارسل موس بر آن بود که ما به خوبی بدن و حرکات آن را نمی‌شناسیم، اما نیک می‌دانیم که بدن آدمی به مثابه مهم‌ترین ابزار انسان در بیان و ایجاد ارتباط با دیگران است. او بر این باور بود که از روی حرکات و تکنیک‌های بدن، می‌توان یک فرهنگ را شناخت و آن را درک کرد (fakouhi, 2006). در هر حال، موس ضمن بنیان‌گذاری این حوزه علمی نوپیدا، معتقد بود که مسئله اصلی جامعه‌شناسی ورزش، رابطه رفتار بدن با فرهنگ است؛ زیرا هر حرکت بدن در همبستگی قوی با بستر فرهنگی، اجتماعی و جامعه‌ای است که در آن شکل گرفته است (Javanmard and navabakhsh, 2013). بر همین اساس، او بازی‌ها و ورزش را کلید مطالعه فرهنگ جوامع می‌داند و بدین‌وسیله علم جامعه‌شناسی را به عرصه حرکات، رفتارها و فنون بدن وارد کرد و بازی‌ها و مسابقات و رویدادهای ورزشی را کانون توجه و تمرکز علوم اجتماعی قرار داد. مارسل موس، خود را به‌عنوان پدر این علم به جهان دانش معرفی کرد و به تعبیر دوفرانس، مقاله فنون بدن، طلوع تفکر جامعه‌شناختی درباره فعالیت‌های بدن، بازی‌ها و ورزش است (Do franc, 2006).

بازی، ورزش و واقعیت اجتماعی تام

اولین رویکرد مارسل موس در حوزه جامعه‌شناسی ورزش این است که کلیه پدیده‌ها و وقایع نمی‌توانند یک‌جانبه و تک‌بعدی باشند، بلکه اموری پیچیده و تامند که واقعیت‌هایی را بیان می‌دارند (Povarieh, 1991). به اعتقاد او مفاهیم و پدیده‌ها زمانی معنا دارند که به‌عنوان واقعیت‌های پیوستی در ارتباط با سایر واقعیت‌های اجتماعی بررسی شوند. به نظر او، تمام پدیده‌های اجتماعی از جمله بازی و ورزش، ابعاد و جوانب گوناگونی دارد و پدیده‌هایی چندگانه

به شمار می‌آیند، که با دیگر پدیده‌ها در ارتباطند. او بر این اساس، انگاره "واقعیت اجتماعی تام"^۱ را مطرح کرد و با آن انگاره موفق شد تا تقابل میان جزءنگری و کل‌گرایی را تعدیل نماید (Brett, 2009). به اعتقاد او بازی و ورزش، پدیده تک‌بعدی طبیعی و زیست‌شناختی صرف نیست، بلکه واقعیتی چندوجهی با ابعاد متعدد اجتماعی، فرهنگی، روانی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی و اسطوره‌ای است که از اصل "واقعیت اجتماعی تام" پیروی می‌کند و در مطالعه تام واقعیت‌های اجتماعی مثل ورزش و بازی باید به وجوه مختلف آن توجه داشت. او در تمام آثار خود بر ادغام و ترکیب پدیده‌های اجتماعی تأکید دارد (moor, 2011). از سوی دیگر، مارسل موس، ورزش را با فرهنگ مرتبط می‌داند و بر این باور است که هر فعالیت بدنی در ارتباط با جامعه پیرامونش شکل می‌گیرد؛ به طوری که او ورزش را مجموعه‌ای از رفتارهای نمادی^۲ وابسته به شأن و جایگاهی می‌داند که هر فرد در گروه و سلسله‌مراتب اجتماعی کسب می‌کند.

به گمان او، ورزش و بازی‌ها در خلأ و بدون ارتباط با سایر واقعیت‌ها قابلیت تحلیل و بررسی ندارند؛ زیرا آن‌ها واقعیتی هستند که با سایر ابعاد در ارتباط و مبادله‌اند. به باور وی، ورزش به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی، در شبکه‌ای از ساختارها و ابعاد جامعه و در شبکه‌ای از حرکات و فعالیت‌های اجتماعی قرار دارد و برای بررسی آن، باید شبکه‌ها را مورد توجه قرار داد؛ بنابراین در تحلیل رفتار آدمی باید تمامیت حیات آدمی و کلیه ابعاد متنوع جامعه در این کلیت دیده شود. جان کلام آنکه او بازی و ورزش را نه فقط حرکات فیزیکی و فعالیت‌های طبیعی محض می‌داند، آن را تبلوری از آموزش و تربیتی می‌داند که خود نوعی فرایند اجتماعی شدن به شمار می‌آید، با سایر ساختارهای جامعه مرتبط است و با آن‌ها پیوند برقرار می‌کند. به اعتقاد وی، ورزش مجموعه و کلیتی از رفتارها و حرکات بدن با چاشنی آموزش، تعلیم و تربیت است که برای تحلیل آن باید به شبکه‌ای از این ساختارها توجه کرد؛ به طوری که او ورزش ژیمناستیک را پدیده‌ای تحولی و تکاملی می‌داند که در فرایند زمان با مجموعه وسیعی از رفتارهای بدن، امور روزمره، کار و تفریحات در ارتباط بوده است. او همچنین فوتبال را یک واقعیت اجتماعی تام و پدیده‌ای جامع می‌داند که در ماهیت پویا و فراگیر خویش با ساختار کلی جامعه در ارتباط است (Askari khaneghah and hassanzadh, 2002).

فنون بدن و بازتاب‌های فرایند اجتماعی شدن

مارسل موس مقاله "فنون بدن" را نخست در سال ۱۹۳۴ به صورت سخنرانی ایراد کرد؛ این مقاله یکی از قدیمی‌ترین آثار او به شمار می‌رود که "لوی اشتروس" از آن به‌عنوان مدرنیسم اندیشه وی یاد می‌کند. موس در این نوشتار برای اولین بار رابطه بدن و جامعه را مطرح می‌کند (Javanmard and navabakhsh, 2013) و از پیوند میان تکنیک‌ها و فنون بدن با نظام‌های اجتماعی سخن به میان می‌آورد (Inalo, 2015). او در این مقاله، انسان را محصول بدن خود می‌داند و بدن را به مثابه مهم‌ترین ابزار انسان در ایجاد ارتباط با دیگران مورد تحلیل قرار داد و بر آن بود که حرکات بدن در اکثر موارد به شکل سازوکارهایی دارای ضوابط مشخص و قاعده‌مند بدن - که او آن‌ها را "فن" می‌نامد - در می‌آیند. او فنون بدن را حرکات نظم‌یافته‌ای می‌داند که برای دستیابی به کارایی عملی یا نمادی انجام می‌گیرد. به گمان وی، هر فرهنگی تداوم خود را مدیون انتقال خویش از خلال قالب‌های کالبد و بدن می‌داند که آن‌ها را در طیفی گسترده از حرکات افراد خود منتقل می‌کند. او با تألیف این مقاله که یکی از ارزشمندترین آثار کلاسیک در حوزه جامعه‌شناسی ورزشی به شمار می‌آید، به اهمیت ذاتی این فنون تأکید کرد و از تأثیر این فنون و

1. Total social reality
2. symbolic

تکنیک‌ها بر یکپارچگی فرهنگی سخن به میان آورد. مارسل موس در پی آن بود که جامعه چگونه فنون بدن را از سطح فردی به سطح جمعی انتقال می‌دهد و چگونه می‌توان نوعی فن اجتماعی کالبدی را تعریف نمود. او به دنبال آن بود که چگونه فنون بدن ممکن است در موقعیت‌های خاص به صورت قواعدی سخت و سرکوبگر درآیند و بدن فردی و جمعی را زیر فشار قرار دهند و بدین واسطه، گروه با این فنون، بدن افراد را به شکل خودش درآورد؛ زیرا وی معتقد بود هر جامعه‌ای افراد خود را به سختی به کنترل بدن وادار می‌کند (fakouhi,2006).

همان‌طور که اشاره شد، مارسل موس فنون بدن را حرکات منظمی که برای دستیابی به کارایی عملی یا نمادی انجام می‌گیرد، تعریف می‌کند. به اعتقاد او، این فنون شامل قواعد عملی، تواتر حرکات و اداها، هم‌زمانی‌ها و تنظیم‌های ضرب‌آهنگ‌های ماهیچه‌ای است که با هدف نهایی و مشخص انجام می‌گیرند (Burton,2021). او فنون بدن را وضعیت سنتی و موثر بدن تعریف می‌کند و بر آن است، وضعیتی که انسان به بدن خود در حالات گوناگون می‌دهد، قبلاً آن‌ها را در جای دیگر فرا گرفته است؛ به عبارت دیگر، مارسل موس به فرایند اجتماعی شدن^۱ اشاره دارد. به گمان او، بدن در میان فرهنگ‌ها به اشکال مختلفی کاربرد دارد (Kerrigan,2015). او معتقد است فنون بدن در میان مردم جوامع مختلف، متفاوت بوده و طبقه‌بندی آن بر اساس جنسیت، سن، بازده و اشکال انتقال ارائه می‌شود. او همچنین بر اساس زمان‌بندی از میان دوره‌های مختلف زندگی از تولد، کودکی، خردسالی، نوجوانی، جوانی و بزرگسالی تحلیلی را مطرح و فنونی مثل زایمان، شیردهی، نامگذاری، خوابیدن، راه رفتن و روابط جنسی را ارائه و تفسیر می‌نماید (Burton,2021) و سپس نتیجه می‌گیرد که از روی حرکات و فعالیت‌های بدن، می‌توان یک فرهنگ را تحلیل و درک نمود؛ زیرا هر فرهنگی تداوم خود را مدیون انتقال هنجارها و ارزش‌های خویش از خلال قالب‌های بدنی می‌داند که به افراد جامعه منتقل کرده و با این فنون افراد را به شکل خودش درآورده، به طوری که به گمان او، بدن آئینه تمام‌نمای فرهنگ‌هاست و هر محقق برای درک و تحلیل یک فرهنگ می‌تواند حرکات کالبدی بدن را مشاهده نماید؛ به عبارت دیگر، یکی از مهم‌ترین راه‌های تحلیل یک فرهنگ همانا توجه به حرکات بدن افراد آن جامعه است (fakouhi,2006)؛ بنابراین، ساده‌ترین حرکات نظیر راه رفتن، خوابیدن، نشستن، دویدن تا رفتن به دستشویی و روابط جنسی، همگی نه فقط فرهنگ را به شکل یک تبلور مادی درمی‌آورد و به آن تداوم می‌بخشد که خود در چرخه‌های دیگر، ساختارهای آن فرهنگ را تعیین می‌کند و آن را در مسیر تحولی قرار می‌دهد؛ پس هر فرهنگی فن خاص خود را دارد که بر بدن افراد تأثیر می‌گذارد (lallement, 2014).

مارسل موس، روابط جنسی را نیز درون حیطه فنون بدن جای می‌دهد و معتقد است موقعیت‌های بدن هر نفر در این نوع روابط از یک جامعه به جامعه‌ای دیگر تغییر می‌کند (Burton,2021). مارسل موس در مقاله فنون بدن، درباره فنون تغذیه، مصادیق و تمثیل‌هایی می‌آورد؛ از جمله از نحوه غذا خوردن یک شاه ایرانی در برابر ناپلئون سوم یاد می‌کند. ناپلئون به شاه ایران اصرار می‌کند که به جای استفاده از انگشتانش در صرف غذا از قاشق و چنگال استفاده کند و شاه ایران در جواب می‌گوید: شما نمی‌دانید چه لذتی را از دست می‌دهید. بر همین اساس، مارسل موس معتقد است ما به خوبی بدن و حرکات آن را جز امکاناتی که همواره محدود به زمان‌هایی در چارچوب نیازهای مربوط به فرهنگ خاص خود قرار گیرد نمی‌شناسیم. به گمان او، موضوع هرچه باشد، اعم از شنا، قدم زدن و دویدن؛ هر جامعه‌ای فن خاص خود را دارد که بر بدن افراد اثر می‌گذارد و بر آن‌ها تحمیل می‌شود (lallement, 2014). به نظر او، هر فن و رفتاری از بدن که به شکل سنتی و آئینی آموخته و منتقل می‌شود، بر پایه نوعی هم‌کنشی عصبی و

ماه‌یچه‌ای قرار دارد که نظام‌های حقیقی را تشکیل می‌دهند و بر زمینه‌ای کاملاً جامعه‌شناختی همبستگی می‌یابند (fakouhi,2006). به نظر مارسل موس، فنون بدن با مجموعه‌ای خاص از حرکات، تکنیک‌ها و فرم‌ها شکل می‌گیرد که به وسیله ابزار تعلیم و تربیت و آموزش به دست می‌آیند و رسالتی مشخص را بر عهده می‌گیرند. به اعتقاد او فنون بدن، تکنیک‌های قابل انتقال و آموختنی‌اند که از طریق فرایند اجتماعی شدن یاد گرفته می‌شوند و هر نوع عملی، نقش یادگیری را نشان می‌دهد. او یادآوری می‌کند، این تکنیک‌ها در صورتی شکل می‌گیرند که دو عنصر وجود داشته باشد:

اول: تکنیک باید اثرگذار و از همین رو، به‌وجودآورنده نتیجه‌ی مناسب و مطلوب باشد.

ثانیا: در متن سنتی به وجود آمده باشد که انتقال آن ممکن پذیر باشد.

مارسل موس تأکید می‌کند که انسان از طریق فرایند اجتماعی شدن در دوران کودکی، یک دسته تکنیک‌های خاص بدن را فرا می‌گیرد که این فنون برآیند تعلیم و تربیت و فرهنگ آن جامعه است (Inalo,2015). از دیدگاه مارسل موس، حرکات بدن در اکثر موارد به سازوکارهایی دارای ضوابط مشخص و قاعده‌مند بدن مبدل می‌شود که او آن‌ها را "فن" می‌گوید و معتقد است که شرط بقای هر فرهنگی، کنترل و نظارت بر این فنون است؛ به‌طوری‌که از دست رفتن این کنترل یا تضعیف آن نیز به معنای از دست رفتن تدریجی آن فرهنگ خواهد بود (fakouhi,2006). مارسل موس به دنبال الگو و مدل نظری در انتقال این فنون بدن از سطح فردی به جمعی است؛ به‌طوری‌که بتوان نوعی فن اجتماعی کالبدی را تعریف کرد و این فنون اجتماعی بدن بتوانند افراد را در موقعیت‌های خاصی کنترل نموده و آن‌ها را در آن قالب و قاعده مورد نظر درآورد؛ زیرا او بر آن بود که هر جامعه‌ای افراد خود را به صورت جدی ناگزیر به کنترل بدن، رفتارها و حرکات خود می‌کند؛ بنابراین به اعتقاد وی، ساختار اجتماعی از خلال تربیت نیازها و فعالیت‌های بدن بروز و ظهور می‌نماید؛ به‌طوری‌که در این میان کودکان تمرین داده می‌شوند تا واکنش‌های خود را کنترل نموده و ترس خود را مهار کنند؛ زیرا تربیت کودکان سرشار از نکات ظریف اما اساسی است. او به لحظه و شیوه شیر دادن مادران و شیوه‌ای که کودکان را در آغوش می‌گیرند، توجه نموده و حتی گروه‌های انسانی را به دارای گهواره و بدون گهواره طبقه‌بندی کرده است (fakouhi,2006).

بدن، عواطف و بازتاب‌های اجتماعی

مارسل موس در سال ۱۹۲۱ در مجله روانشناسی، مقاله‌ای با عنوان "بیان الزامی عواطف" منتشر کرد و در آن مفهوم احساسات و فنون بدن را مطرح نمود. وی در این مقاله مدعی شد عواطف آدمی نه ناشی از مسائل روانی و نه حاصل امور طبیعی و فیزیولوژیکی است، بلکه مانند سایر حرکات و فعالیت‌های کالبدی، بازتاب‌های اجتماعی‌اند که خود را از طریق محتوا و اشکال مختلف در موقعیت‌های ویژه بر افراد و گروه تحمیل می‌کنند (Ghadimi and shekari,2017). او احساسات و عواطف را مانند تکنیک‌ها و فنون بدن نه امری فردی و طبیعی، بلکه مقوله‌ای اجتماعی و فرهنگی می‌داند که بر کنشگران تحمیل می‌شود و در رفتار و فعالیت‌های بدنی آن‌ها بروز و ظهور می‌نماید (Javanmard,2007). او حتی اشک ریختن و گریه کردن را فارغ از درد و اندوه، تنها پدیده‌ای روانشناختی یا زیست‌شناختی نمی‌داند، بلکه آن را پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی تصور می‌کند. به اعتقاد وی، تظاهرات و بروز عواطف آدمی نه تابع سلائق کنشگران که از زمان‌بندی دقیقی در درون چارچوب منظم و از پیش تعیین‌شده‌ای، تبعیت می‌کند و بر افراد تحمیل می‌گردد.

مارسل موس معتقد است افراد فراتر از بروز عواطف و احساسات خود فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند و از امر نمادین فرهنگی پیروی می‌کنند که از هنجارهای جمعی ضمنی سرچشمه می‌گیرد. او بر این باور است که این احساسات، خودانگیخته و خودبه‌خودی نیستند، بلکه بر پایه‌های مناسک سازمان و معنا یافته‌اند و دیگران را مخاطب قرار می‌دهند. به اعتقاد وی این احساسات و عواطف در چهره، حرکات و اداهای بدن ظهور می‌کند و از یک جامعه به جامعه دیگر متغیر و متنوعند و از نسلی به نسل دیگر با تغییرات و تمایزاتی ملموس منتقل می‌شوند (mouss, 1979).

ورزش و عادت‌واره

همان‌طور که گفته شد، مارسل موس اولین بار رابطه بدن و جامعه را در مقاله فنون بدن مطرح کرد و در آنجا پیوند تنگاتنگی میان تکنیک‌ها و فنون بدن را با نظام اجتماعی تحلیل کرد (Javanmard, 2007). او به مقوله بازی و ورزش پرداخت و ورزش را بازی قاعده‌مند بدن قلمداد کرد که بر اساس تعلق اجتماعی کنشگران، کارکردهای متعددی دارد. به اعتقاد وی در تمام حرکات و فعالیت‌های بدن و همچنین تمام بازی‌ها و ورزش‌ها یک عضو نیرومند مشترک جامعه‌شناختی به نام "عادت‌واره"^۱ وجود دارد (Ghadimi and shekari, 2017). او مفهوم عادت‌واره را مخرج مشترک تمام ورزش‌ها و بازی‌ها می‌داند. به نظر او حرکات و رفتارهای بدن از جنس حرکات و فعالیت‌های فیزیکی و طبیعی صرف نیست، بلکه رفتاری فرهنگی و اجتماعی است. او نتیجه می‌گیرد ورزش، مجموعه‌ای از رفتارهای نمادی و وابسته به منزلت و موقعیتی است که هر فرد در سلسله‌مراتب اجتماعی احراز نموده و به‌عنوان رفتار اجتماعی و فرهنگی یک عادت‌واره به شمار می‌رود (Do franc, 2006)؛ بنابراین وی بر آن است که عادت‌واره، مختص بودن فعالیت‌های بدن را به یک فرهنگ قومی خاص نشان می‌دهد و آن را دستاورد تاریخی می‌داند که مردمان یک جامعه با آن می‌آموزند چگونه از بدنشان استفاده کنند؟

در هر حال، مارسل موس، عادت‌واره را مجموعه‌ای از رفتارهای نمادی وابسته به شأن و منزلت افراد می‌داند که هر فرد در جامعه و سلسله‌مراتب اجتماعی کسب نموده است؛ به عبارت دیگر، او عادت‌واره را نمایش دیگری از قاعده تنظیم اجتماعی می‌داند. از دیدگاه او نوعی تنظیم اجتماعی وجود داد که میزان اجتماعی شدن افراد را تغییر می‌دهد (lallement, 2014)؛ به عبارت دیگر، وی عادت‌واره را گذار انسان از من فردی و طبیعی، به من جمعی و اجتماعی یا گذار انسان از فردیت به شخصیت اجتماعی می‌داند؛ فرایندی که در آن آدمی باید‌ها و نبایدها، هنجارها و ناهنجاری‌ها را فرا می‌گیرد و می‌تواند با جامعه سازگار شود و در آنجا با جامعه هم‌نوا گردد. به اعتقاد وی، بدن به‌عنوان نخستین و طبیعی‌ترین ابزار آدمی بر اساس عادت‌واره شکل گرفته است. او معتقد است در تمام ورزش‌ها و بازی‌ها یک وجه و مخرج مشترک جامعه‌شناختی به نام عادت‌واره وجود دارد. او عادت‌واره را کلیدواژه‌ای برای تشریح و تبیین کارکردهای فرهنگی و اجتماعی ورزش و فعالیت‌های بدنی در زندگی روزمره می‌داند و بر آن است که رابطه رفتار بدن با فرهنگ، در همبستگی با بستر اجتماعی یک حرکت ورزشی به شمار می‌آید (mouss, 1979).

جان کلام مارسل موس آن است که عادت‌واره به مجموعه قابلیت‌هایی اشاره دارد که افراد در طول حیات خود آن‌ها را درونی^۲ کرده و به قول مارکوزه^۳ در زمره طبیعت ثانویه قرار می‌گیرند؛ به گونه‌ای که فرد بدون آنکه آگاه باشد

1. Habitus

2. Internalization

3. H. Marcuse (1898- 1979)

بر اساس آن‌ها و الگوی درون خود عمل می‌کند و آن را بر اساس یک کنش غیرغریزی ثانویه در نظام اجتماعی بازتولید می‌نماید (Ghadimi and shekari, 2017).

انسان، بازی و پتلاچ

مارسل موس در نوشتاری دربارهٔ هدیه به سال ۱۹۲۵ از انسان کامل سخن می‌گوید؛ انسانی که دارای روح و جسم است، با کالبد و بدن خود شکل پیدا کرده، با عقل و خردش هدایت می‌شود و از شرایط و موقعیت‌های اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. او انسان کامل را ارگانیزی با ماهیت زیستی- فرهنگی تصور نمود که رفتارش تحت تأثیر شرایط محیطی جهان پیرامون شکل می‌گیرد و بر همین اساس جریان آموزشی و تربیتی بر این رفتارها و فعالیت‌ها مؤثر است و در فرایند اجتماعی شدن کنش می‌کنند و تحت کنترل و نظارت جامعه‌اند. مارسل موس معتقد است تمام حرکات و روابط انسان‌ها قبلاً در جایی از جامعه فراگرفته شده و به مسائل قبلی ربط پیدا می‌کند. این جامعه‌شناس فرانسوی در این گفتار کلاسیک، انسان را موجودی چندساحتی می‌داند و به بررسی ابعاد گوناگون انسان به‌ویژه بعد ذهنیت او و معناپردازی نمادی آدمی می‌پردازد و سپس به سنت وبری، انسان را موجودی کنشگر می‌داند که کنش او همواره معطوف به هدف و نیتی است (Javanmard and sanati, 2019).

وی در کتاب «هدیه»^۱ بر این باور است که هدف انسان تنها منفعت اقتصادی نیست و نمی‌توان هدف از کنش و رفتار انسان را به سود مالی محض تقلیل داد. به اعتقاد او مسائل اقتصادی در مرحلهٔ دوم اولویت‌های انسان قرار دارد و اولویت اول انسان‌ها بر ارتباطات و مبادلات متمرکز می‌شود. انسان حتی زمانی که هدیه می‌دهد یا می‌بخشد، تنها انگیزهٔ اقتصادی ندارد، بلکه هدف اصلی او، تحکیم روابط است. به نظر او هدیه دادن در استحکام روابط و مناسبات اجتماعی مؤثر است و علاوه بر نظام اقتصادی، سایر بخش‌های جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Garbarino, 1998)؛ به همین دلیل او معتقد است، منفعت اقتصادی یکی از انگیزه‌های کنش است، اما همهٔ ابعاد کنش انسان صرفاً اقتصادی نیست؛ زیرا او اهمیت و جایگاهی والاتر از سود اقتصادی را در نظر می‌گیرد؛ بنابراین بر اساس این دیدگاه، او اعتقاد دارد هدف از بازی و ورزش در همهٔ ادوار تاریخ، فراتر از سود اقتصادی بوده و بازی‌ها به‌عنوان پدیدهٔ تام اجتماعی، ابعاد بیشتری را دنبال کرده‌اند. او در راستای تحلیل این موضوع، از مباحث مردم‌شناسی از جمله رسم "پتلاچ"^۲ و "کولا"^۳ کمک می‌گیرد.

مارسل موس در مطالعات مردم‌شناسی و زمینه‌های انسان‌شناسی به تحلیل پدیدهٔ مبادله و بخشش بر اساس مناسک بومیان سواحل شمال غربی ایالات متحده به‌ویژه در بین سرخ‌پوستان "کوآکیوتل"^۴ به نام «پتلاچ» پرداخت (lallement, 2014). او این سنت را از بومیان برای تبیین ماهیت انسان و انگیزهٔ او از بازی و سایر پدیده‌ها به عاریت گرفت. این مردم‌شناس فرانسوی، در این اثر کلاسیک از هدیه به‌عنوان زنجیره و چرخه‌ای محکم از اشیاء در مبادله‌ای رضایت‌مند یاد کرد (Kerrigan, 2015) و نشان داد که در جوامع ابتدایی هدیه دادن و بخشش به مبادلهٔ اقتصادی سودجویانه تقلیل نمی‌یابد و انگیزه‌های متنوعی در خلق آن نقش دارد (mouss, 1979).

3. The Gift
2. Potlatch
3. kola
4. Kwakiutl

مارسل موس در این مقاله می‌گوید رسم پتلاچ، سنتی در سواحل شرقی است که در آن مقدار زیادی ثروت و سرمایه روی هم انباشته شده و آن را به کسی می‌بخشند و یا حتی در نمایشی مذهبی آن را به آتش می‌کشند و نابود می‌کنند (moor,2011)؛ به عبارتی او این رسم را داد و ستد آرام با رویکردی اجتماعی دانسته و مشابه نمودی از یک تنازع و جدال تحلیل می‌کند که در آن تخریب بدون هیچ محدودیتی انجام می‌گیرد. او پتلاچ را جنگ ثروت توصیف می‌کند (mouss,1979). وی نتیجه می‌گیرد در جوامع ابتدایی رسم هدیه دادن، مبادله‌ای اقتصادی نیست؛ زیرا این پدیده حامل نظام پیچیده‌ای از ارزش‌های اجتماعی، حقوقی، فرهنگی و اقتصادی است که کل جامعه و نهادهایش را درگیر خود می‌کند (lallement,2014) و به واسطه آن، بومیان در پی ایجاد همبستگی اجتماعی و کسب منزلت و شأنند تا در گروه خود ارتقای مرتبه یابند و در سلسله‌مراتب قدرت پیشرفت کنند. مارسل موس همین برداشت را برای خاستگاه بازی‌ها در بین انسان ابتدایی متصور است و انگیزه اصلی بازی‌ها را در ابتدا غیراقتصادی و ایجاد و تحکیم همبستگی اجتماعی و کسب پایگاه اجتماعی در گروه می‌داند؛ بنابراین او معتقد است تمام پدیده‌ها از جمله ورزش و بازی دارای جنبه‌های متنوع به‌ویژه حامل پیام‌های اجتماعی و فرهنگی اند (Povarieh,1991) زیرا او هدف انسان را همواره ورای مسائل اقتصادی می‌داند که بیانگر تحکیم روابط اجتماعی است تا انتقال مالکیت جزئی از یک شخص به شخص دیگر؛ به عبارت دیگر، در سنت پتلاچ چیزی که هدیه داده می‌شود، نمادی از رابطه اجتماعی میان هدیه‌دهنده و هدیه‌گیرنده است و به همین رو، هدیه ارزش معنایی بالاتری از ارزش مادی و اقتصادی صرف پیدا می‌کند (Colman and Watson,1993).

جان کلام آنکه مارسل موس از رسم پتلاچ نتیجه می‌گیرد که هدف انسان، اقتصاد و منفعت مالی نیست و پدیده بازی بر همین اساس مستقیماً سود اقتصادی برای او به ارمغان نمی‌آورد و بازی‌ها پیش از این کارکردی غیراقتصادی داشته‌اند (mouss,1979). در هر حال، بعضی از صاحب‌نظران رسم پتلاچ را هم یک سنت آیینی و هم یک بازی، همراه با جنگ سخاوت‌مندانانه با اهداف ماورای مسائل مالی و اقتصادی می‌دانند و اولویت را به ارتقای شأن و کسب حیثیت در گروه و شناخته شدن می‌دهند.

به گمان آنها اساس این جنگ برای داشتن ثروت و سرمایه نیست، بلکه برای "وجود داشتن" است. برای کسب اعتبار و وجهه اجتماعی است، نه منفعت اقتصادی. از چشم‌انداز ایشان، این رسم، انسان اقتصادی را به انسان اجتماعی و جامعه‌شناختی مبدل نموده است؛ بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که کارکردهای بازی در ادوار گذشته، مختلف و متنوع بوده، انسان برای بازی انگیزه زیادی داشته و با این مقوله به دنبال تحکیم همبستگی اجتماعی و مبادلات و گسترش شبکه ارتباطی خود بوده است (Shariati,2016).

بحث و نتیجه‌گیری

مارسل موس به‌عنوان بنیان‌گذار جامعه‌شناسی ورزش تمام حرکات و فعالیت‌های کالبدی بدن و حتی احساسات و عواطف را نه یک پدیده طبیعی و زیست‌شناختی، بلکه پدیده‌ای فرهنگی و تربیتی می‌دانست که در فرایند اجتماعی شدن به یک واقعیت اجتماعی تام انضمامی و مرتبط با سایر ابعاد و ساختارهای جامعه پیوند خورده و از الگوی مشترکی به نام عادت‌واره پیروی می‌کند. او معتقد بود برای تحلیل این پدیده، به‌ویژه بازی و ورزش، باید به طراحی الگوهای ترکیبی و شبکه‌ای روی آورد. به اعتقاد وی، بازی‌ها بر اساس رویکرد ترکیب‌گرا، مصداق اصل تمامیت و یا کلیتند که با ابعاد و جنبه‌های گوناگون جامعه در ارتباط متقابل بوده و بر اساس اصل مبادله نمی‌توان آنها را به تنهایی تحلیل نمود، بلکه باید به شبکه‌ای از این ساختارها توجه کرد.

مارسل موس عنصر بنیادی جامعه‌شناسی ورزش را همانا رابطه رفتارهای بدن با فرهنگ می‌داند؛ زیرا هر بدن در همبستگی قوی با بستر اجتماعی موجود و جامعه‌ای است که در آن شکل گرفته است. بر این اساس، او بر آن بود که از روی حرکات و فعالیت‌های بدن می‌توان فرهنگ‌ها را شناخت، زیرا بازی‌ها کلید شناخت و فهم فرهنگ‌ها و جوامعند. او همچنین انسان را موجودی چندساحتی تصور می‌کند که محصول بدن خویش است و به استناد رسم پتلاچ معتقد بود که کنش‌های انسان همواره معطوف به منفعت و سود مالی نیست. انگیزه کنش به مباحث اقتصادی تقلیل نمی‌یابد، بلکه ماورای مسائل مالی است و این مقوله در اولویت بعدی قرار دارد. اساساً تحکیم همبستگی و گسترش شبکه ارتباطی و مبادله‌ای و از سوی دیگر، ارتقای شأن و منزلت، از اهداف اصلی انسان در کنش‌ها به‌ویژه بازی‌ها به شمار می‌آید؛ بنابراین او انسان اجتماعی و جامعه‌شناختی با انگیزه‌های چندگانه را جایگزین تصور انسان اقتصادی می‌کند.

این جامعه‌شناس کلاسیک حوزه ورزش، تلاش کرد تا از بطن واقعیت‌هایی مثل بازی و ورزش، مفاهیمی را استخراج نماید؛ زیرا او اعتقاد داشت یکی از مهم‌ترین راه‌های درک بهتر و دقیق‌تر یک فرهنگ، همانا حرکات بدن و فنون کالبدی است. او به ارتباط بین ورزش به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی با سایر پدیده‌ها و امور مبادرت ورزید تا معنا و مفهوم ورزش را تبیین نموده و آن را به‌عنوان واقعیتی اجتماعی در ارتباط با سایر واقعیت‌های اجتماعی تحلیل کند؛ زیرا او بر این باور بود که ورزش و سایر واقعیت‌ها را باید به‌عنوان پدیده اجتماعی تام به شمار آورد. از دیگر اصول کاربست فکری مارسل موس می‌توان به ایده ترکیب پدیده‌ها اشاره کرد. به باور او، پدیده‌ها با یکدیگر ترکیب می‌شوند و در شبکه‌ای ارتباطی با یکدیگر قرار می‌گیرند. به گمان او، پدیده‌هایی مثل بازی و ورزش را باید در تلفیق با ابعاد مختلف با دیگر پدیده‌ها تحلیل و تبیین نمود. به اعتقاد او بازی و ورزش را بر اساس رویکرد تفکیک‌گرای دورکیمی نمی‌توان بررسی نمود، بلکه این پدیده‌ها را باید با رهیافتی ترکیب‌گرایانه مطالعه کرد تا به تمامیت و کلیت پدیده ورزشی دست یافت. از سوی دیگر، مارسل موس به اصل مبادله و ارتباطات اشاره می‌کند و معتقد است تمام پدیده‌ها، رابطه متقابل و مبادله‌ای با هم دارند. او جهان اجتماعی را جهان مبادله و ارتباط می‌داند که هیچ چیزی در آن به‌تنهایی تحلیل نمی‌شود، بلکه همه چیز در رابطه با دیگر پدیده‌ها که با آن‌ها مرتبط است، تحلیل می‌شود. به گمان او، جامعه کانون مبادلات است و بازی و ورزش به خوبی این اصل را نشان می‌دهند و حکایت از واقعیت اجتماعی تام دارند؛ بنابراین او ورزش و بازی‌ها را بر اساس رویکرد ترکیب‌گرا در ارتباط و پیوند با دیگر پدیده‌ها می‌داند که تمایزی بین آن‌ها نیست و به‌عنوان امر تام اجتماعی با لایه‌های دیگر جامعه در ارتباط است.

منابع

- Abolhassan Tanhai, H. (2014). *Sociological Theories*, Bahman Barna-Marandiz Publications, 4th edition, Tehran. (persian)
- Anwar Al-Khwai, A. (2017). *Sports and Society*. Translated by Sheikhi, H. Samt Publications, Third edition, Tehran. (Persian)
- Askari Khaneghah, A. & Hassanzadeh, A. (2002). Football and the Individuality of Cultures. *Journal of Social Sciences*, No. 19, 105-123. (Persian)
- Brett, P. (2009). *Sociological Theories in the 20th Centur*. Translated by Khani, M. Rokhdad Nou Publishing House, first edition, Tehran. (Persian)
- Burton, D. (2021). *Sociology of The Body*. Translated by Fakuhi, N. Third edition, fifth edition, Tehran. (Persian)
- Coleman, S., & Watson, H. (1993). *Introduction to Anthropology*. Translated by Talasi, M. Simorgh Publishing House, first edition, Tehran. (Persian)

- Du franc, J. (2006). *Sociology of Sports*. Translated by Nik Gohar, A. Tutia Publications, first edition, Tehran. (Persian)
- Fakouhi, N. (2006). *Fragments of Anthropology*. Nei Publishing House, first edition, Tehran. (Persian)
- Fakouhi, N. (2018). *Anthropology: Thinkers, Theory and Action (A Collection of Articles and Discussions)*. Andisheh Ehsan Publishing House, first edition, Tehran. (Persian)
- Garbarino, M. (1998). *Anthropological Theories*. Translated by Mohammadi Asl, A. Avai Noor Publishing House, first edition, Tehran. (Persian)
- Ghadimi, B., & Shekhari, S. (2017). *Classical and Modern Theories in Sports Sociology*. Sociologists Publications, first edition, Tehran. (Persian)
- Ghasemi, V., & et al. (2008). *Sociology of Sports (Vandalism and Hooliganism in Football)*. Sociologists Publications, first edition, Tehran. (Persian)
- Giulianotti, R. (2012). *Theories of Critical Sociology of Sports*. Translated by Tausli, A. Scientific Publication, first edition, Tehran. (Persian)
- Inalo, M. (2015). *Body Construction (Sociology of Youth Body Management Styles)*. Sociologists Publications, first edition, Tehran. (Persian)
- Javanmard, K. (2007). *Sociological Investigation of the Function of Sports on Social Cohesion in Iran in the Eighties (Case Study: Kerman Province)*. PhD thesis, Tehran Islamic Azad University of Science and Research. (Persian)
- Javanmard, K., & Navabakhsh, M. (2013). Sociological investigation of the function of sports on social cohesion in Iran in the 80s. *Iran Social Science Quarterly*, 11(41), 37-54 (Persian)
- Javanmard, K., Saneti K., & Hazrati Soumea, Z. (2019). Examining the dominant discourse on the culture of modern sports (Case of study: Organized sports in the last three decades). *Iranian Sociology Quarterly*, 3(4), 768-792. (Persian)
- Kerrigan, K. (2015). *Sociology of the Body (Modern, Postmodern and Post-Structuralist Theories)*. Translated by Naseri Rad, H. Naqsh Nagar Publishing House, first edition, Tehran. (Persian)
- Moore, Jeremy D. (2011). *Life and Thought of Great Anthropologists*. Translated by Aghabigpour, H., & Ahmadi, J. Sociology Publications, first edition, Tehran. (Persian)
- Mouss, M. (1979). *les Techniques du Crops dan Sociologie at Antropologie*. Paris, puf, 363-3859.
- Mouss, M. (2019). *Socialism and Bolshevism*. Translated by Eskandernjad, A. Khard Sorkh Publishing House, first edition, Tehran. (Persian)
- Navabakhsh, M., & Javanmard, K. (2008). Pioneers of sociology of sports. *Sociology Quarterly*, 5(1), 133-149. (Persian)
- Panov, M. & Pern, M. (1989). *Anthropology*. Translated by Askari Khanqah, A. Weis Publishing House, first edition, Tehran. (Persian)
- Povarieh, Z. (1991). *History of Anthropology*. Translated by Amini, P. Khordmand Publications, first edition, Tehran. (Persian)
- Seifi, H., & et al. (2019). *Sociology of Sports*. Andisheh Ehsan Publications, first edition, Tehran. (Persian)
- Shariati, S. (2016). Returning to social affairs (Why is the messenger of the mouss unknown?). *Etemad Newspaper*, No. 3842, Saturday, July 10th. (Persian)
- Uber, H., & Marcel, M. (2019). *Sacrifice: Its Nature and Application*. Translated by Ardabili, L. Scientific and Cultural Publications, second edition, Tehran. (Persian)